

کارگران ضد سرمایه داری / آذر ۱۴۰۰

دیروز دهها هزار کارگر بخش آموزش در جهنم سرمایه داری ایران در اعتراض به گرسنگی، وخامت انفجار آمیز وضع معاش، خفقان و وحشت مستولی در محیطهای آموزشی، دستگیری، شکنجه و زندان همزمان، محتوای ماقبل قرون وسطائی متون درسی، آلودگی انحطاط آمیز آموزش با خرافه های اسلامی، شیوه های تدریس ارتجاعی حفاری شده از گورستان های تاریخ، دست به اعتصاب زده و از رفتن در سر کلاسهای درس خود داری کردند. کارگران در بیش از ۲۰۰ شهر با اعلام اعتصاب خواستار تحقق فوری و کامل خواسته های خود گردیدند. در برخی شهرها، از جمله سقز کلیه مدارس ابتدائی، متوسطه و هنرستان ها به به حالت تعطیل کامل در آمدند، هر شکل آموزش، حضوری یا راه دور متوقف شد و معلمان خواستار همراهی، همسنگری تمامی دانش آموزان و والدین شدند.

کارگران بخش آموزش مثل کل طبقه کارگر ایران سالیان متمادی است برای تحقق این خواستها مبارزه می کنند، اما مثل کل همزنجیران، به هیچ یک از مطالبات خویش و به هیچ سطحی

از خواسته های تاریخی نکول شده خود دست نیافته اند. الان نیز هیچ بارقه امید به پیروزی بر جبین کشتی اعتراض آنان ساطع نیست، باید به واکاوی ریشه های واقعی این شکست های عظیم بنشینیم. ریشه شکست های زنجیروار معلمان، ریشه کل شکست های سلسله وار تاریخی طبقه کارگر در یک چیز است. آنها علیه سرمایه داری مبارزه نمی کنند، خواستار بهبود معاش، حقوق مدنی، آزادیهای سیاسی، رفاه، امنیت، عزت و حرمت انسانی در قعر جهنم سرمایه داری و در زیر سیطره قدرت و حاکمیت سرمایه اند!! دهها میلیون نفوس طبقه کارگر از جمله چندین میلیون معلم شالوده زندگی، خواست و اعتراض خود را بر این گذاشته اند که قرار است همیشه کارگر باشند!! نسل بعد از نسل به صورت برده مزدی زندگی کنند، برای سرمایه داران و دولت سرمایه کار کنند، اضافه ارزش تولید نمایند، کوه عظیم سرمایه طبقه سرمایه دار را تا کهکشانی ها رفعت بخشند، پایه های قدرت و حاکمیت سرمایه را مستحکم تر سازند. از همین سرمایه داران و دولت سرمایه خواستار معیشت بهتر،

حقوق اجتماعی، آزادی و رفاه شوند!! در مطبخ ارباب استخوانی برای لیسیدن تکدی کنند و اربابان سرمایه دار هم به نوازش آنها پردازند!! از طبقه سرمایه دار و دولتش بخواهند تا به آنها حق اعتصاب تفویض نمایند!! به گاه اعتراض از دستگیری، شکنجه و مجازاتشان چشم پوشد!! قانون، حقوق، مدنیت و ساختار نظم جامعه را با چشمداشت های آنان منطبق گرداند!! کارگران و از میان آنها معلمان، بنیاد کار، مبارزه و دورنمای زندگی خود را بر این توهمات پوشالی استوار ساخته اند. جماعتی نیز به این خیال واهی تر آویخته اند که روزی با ظهور عصر طلائی اعتلا، پشت سر این یا آن حزب راست یا چپ به صف شوند!! رژیم را ساقط و رژیم دیگر را بر سر کار آرند و همه چیز را بر وفق مراد سازند!! ریشه همه شکست های ممتد، فرساینده و فاحش تاریخی در همین جا قرار دارد. سرمایه داری قرار نیست پاسخگوی نیازهای ما باشد. سرمایه کار پرداخت نشده کارگر است، نطفه سرمایه در جدا کردن انسانها از کار خود و ساقط نمودن تام و تمام آنها از هر گونه دخالت در تعیین سرنوشت کار، تولید و زندگی خویش منعقد شده است. مانیفست سرمایه این است که انسانها برده مزدی باشند، از روزانه طولانی کارشان چند دقیقه صرف تولید معاش و بازتولید نیروی کار و کل مابقی سود و سرمایه افزون تر سرمایه دار گردد. سرمایه ها کوه آسا شوند و سودهای کهکشانی خواهند، فشار استثمار کارگران خرد کننده تر و زندگی آنها

تاریک تر و دهشتناک تر شود. آنچه برای سرمایه هیچ ترین شیئی است انسان و آنچه همه چیز است سود و خودافزائی خویش است. سرمایه مشتوی پول، کارخانه، بانک، مزرعه نیست، یک رابطه اجتماعی است، قانون، حقوق، مدنیت، دولت، ارتش، مذهب، آموزش، ارزش های اجتماعی و همه چیز جامعه جهانی حاضر است. برای هر میزان معیشت بهتر، هوای سالم تر، آب بهداشتی تر، آموزش، درمان، امکانات زندگی مطمئن تر، رفاه، آزادی، حقوق انسانی، رفع تبعیضات ظالمانه جنسیتی، کودک آزاری، آلودگیهای زیست محیطی، برای هر مقدار کاهش فقر، گرسنگی، خفقان، ستم، بردسالاری، برای همه چیز و همه چیز، باید علیه اساس هستی سرمایه داری جنگید، جنگ علیه سرمایه مشتوی شعار نیست، سخن پراکنی ایدئولوژیک نیست، حرافی های حزبی نیست، نظربافی نیست؛ خیالپردازی و رویاها تراشی نیست، زنده باد، مرده باد، سرنگون باد و برقرار باد نیست. هیچ کدام اینها نیست، ضد همه اینها است. مبارزه ضد سرمایه داری زمینی ترین، ملموس ترین، مادی ترین و در دسترس ترین عمل اجتماعی در سنگلاخ همه جا گسترده جامعه موجود است. جنگ ضد سرمایه داری، اعمال قدرت متحد، سازمان یافته، شورائی، تعطیل ناپذیر، لحظه به لحظه ما توده های کارگر از طریق تعطیل هر چه سراسری تر چرخه ارزش افزائی کل سرمایه ها، کل نظم سیاسی، حقوقی، مدنی، آموزشی، فرهنگی، پلیسی، امنیتی سرمایه، با هدف مجبور ساختن کل طبقه سرمایه دار و

ماشین نظم و قدرت سرمایه به عظیم ترین عقب نشینی های ممکن، در مقابل کل انتظارات طبقاتی، اجتماعی و تاریخی خویش است. طول و عرض و ارتفاع خواسته ها، انتظارات، اهداف این جنگ، تغییر ریشه ای عینیت موجود، محو فرجامین کار مزدی، نابودی سرمایه داری، تسلط کامل شورائی و سراسری انسانها بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود است. نکته حیاتی، اساسی و سرنوشت ساز این است که هر نفس کشیدن، اعتراض، اعتصاب، شورش، قیام، رژیم ستیزی، سرنگونی طلبی ما باید حلقه ای از زنجیره سراسری این جنگ غیرقابل تعطیل و نقطه ای از منحنی فراز و فرودهای بدون قابل توقف آن باشد. هر لحظه و هر نقطه این جنگ باید شاهد ظهور سطح بالاتر و بالیده تری از قدرت سازمان یافته شورائی ضد سرمایه داری ما، مبین اعمال این قدرت علیه سرمایه، به عقب راندن طبقه سرمایه دار و دولتش از سنگرهای قدرت، حاکمیت و مقاومت، خارج سازی بخش هر چه عظیم تر حاصل کارماز چنگال قهر سرمایه داری، دستیابی ما به سطوح عالی تر معاش، رفاه، بهداشت، درمان، بلوغ آگاهی، آزادیها و حقوق واقعی انسانی باشد. هر لحظه این جنگ باید گزارش تاختن در این گذر گردد. طبقه ما قرنها است که با سرمایه در جدال و پیکار است، فاجعه سیاه تاریخی آنست که این جنگ تا امروز بر این ریل نچرخیده و در این راستا پیش نرفته است. به همه گمراهه ها

آویخته است، در فرمیسم اتحادیه ای، سوسیال دموکراتیک، تسویه حساب های مسالمت آمیز یا سرنگونی طلبانه بخشهای مختلف بورژوازی، امپریالیسم ستیزی خلقی و ناسیونالیستی، «ضد نئولیبرالیسم»!!، دموکراسی طلبی و نوع اینها کفن و دفن شده است. حاصل این گمراهه رفتن ها وضعی است که الان داریم، باید بر این وضعیت نقطه پایان بگذاریم. به عنوان معلم، با بیرق افتخار بخشی از طبقه کارگر همین لحظه حاضر خواستار همپیوندی کل کارگران به مبارزات حاضر خود شویم. برای اولین بار در تاریخ این جهنم اعلام داریم که کارگران منفرد نیستیم، طبقه کارگریم، ریشه کل سیه روزیهای ما در وجود سرمایه است، علیه موجودیت سرمایه ایم، در حال نبرد برای ارتقاء به یک قدرت متحد سازمانیافته، شورائی ضد سرمایه داری هستیم، می خواهیم این قدرت را علیه سرمایه اعمال کنیم، با اعمال آن، سرمایه داری را مجبور به بیشترین عقب نشینی ها در مقابل انتظارات خود سازیم، پیش تاریخ، متحد تر سازمان یافته تر و نیرومند شویم، یک قدرت مسلط شورائی ضد کار مزدی گردیم، سرمایه داری را ساقط کنیم و جامعه ای انسانی، عاری از استثمار، طبقات و دولت مستقر گردانیم. تنها از این طریق می توانیم به خواست های خود جامعه عمل پوشانیم. در غیر این صورت فقط شکست تازه ای را بر شکستهای پیشین اضافه می کنیم.